

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، پیاپی ۳۲

بررسی سندی و متنی روایات «تسخین الماء فی الشمس»

محمد تقی مقدم^۱

سهیلا پیروزفر^۲

Doi: ۱۰,۲۲۰۵۱/tqh.۲۰۱۷,۸۷۳۸,۱۱۳۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۲/۱۱

چکیده

در منابع حدیثی، روایاتی یافت می‌شود که به منع وضو با آبی که توسط خورشید داغ شده باشد، دلالت دارد. از جمله «الْمَاءُ الَّذِي يُسَخَّنُ فِي الشَّمْسِ لَا تَوَضَّئُوا بِهِ وَلَا تَغْتَسِلُوا بِهِ وَلَا تَعَجُّنُوا بِهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ» حدیثی نسبتاً مشهور است که بر زبان مسلمانان به‌ویژه میان فقها و طبیبان قدیمی جاری بوده و مبنای فقهی احکام قرار گرفته است. در این مقاله با جستجو در منابع فریقین، طریقی نقل

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

hashem.andisheh@gmail.com

spirouzfara@um.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

این حدیث پیگیری و آن‌گاه با به‌کارگیری قواعد و معیارهای حدیث شناختی و واکاوی قرینه‌های موجود، سند و راویان حدیث مزبور به محک نقد کشیده و در نتیجه نشان داده شده که هیچ‌یک از طرق این حدیث خالی از ضعف نیست. با این حال با فرض صدور حدیث از سرچشمه علم نبوی «ص» به تحلیل محتوایی آن با توجه به مبانی فقه الحدیثی، منابع پزشکی معتبر و طب قدیم و جدید پرداخته و بالاخره نتیجه گرفته شده است که به فرض صدور، روایت در قضیه یا منطقه خاص صادق خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: وضو، برص، تسخین الماء.

مقدمه

حدیث به عنوان دومین منبع معتبر استنباط احکام شرعی پس از قرآن از جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان برخوردار است. مسلمانان پرداختن به حدیث را از همان دوران صدور در دستور کار خود قرار داده و این حرکت با نقد و پالایش احادیثی که در طول قرن‌ها توسط گذشتگان دست به دست شده و اکنون به دست ما رسیده، همراه بوده است. فهم دلالت متن حدیث پس از اثبات صدور آن نیز گام مهم بلکه هدف نهایی در بررسی‌های حدیثی به شمار می‌آید. این مهم با مطالعه رجال‌شناسی و فرورفتن در بطون حدیث و بهره گرفتن از دلالت‌های زبانی و متنی و سایر قرائن تا حدی قابل دستیابی است. در میان احادیث، حدیثی به پیامبر اکرم «ص» منسوب است که با تعابیر متفاوت در پاره‌ای از منابع حدیثی شیعه و سنی ورود یافته که بر اساس آن از وضو و غسل با آبی که با حرارت خورشید داغ شده باشد، منع گردیده؛ زیرا باعث ابتلا به برص می‌شود: «الْمَاءُ الَّذِي يُسَخَّنُ فِي الشَّمْسِ لَا تَوَضَّؤُا بِهِ وَلَا تَغْتَسِلُوا بِهِ وَلَا تَعَجَّنُوا بِهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ»؛ آبی که در آفتاب داغ شود، با آن وضو نسازید، خود را با آن نشوید و با آن، آرد خمیر نکنید؛ زیرا موجب برص می‌شود.

در مقابل، روایاتی وجود دارد که وضو با چنین آبی را جایز دانسته است. سؤال مطرح این است که چرا با وجود خاصیت ضد عفونی کنندگی خورشید، وضو و یا غسل با آبی که توسط خورشید داغ شده، مستلزم بیماری باشد؟ چه خصوصیاتی در چنین آبی است؟ و برص در این روایت به چه معناست؟

در این مقاله ضمن جستجوی روایت در منابع حدیثی فریقین و سپس به فرض صدور آن از معصوم، تلاش می‌شود که فهم صحیحی از روایت ارائه و سپس برای رسیدن به هدف نهایی، مصادیق آن در علم طب قدیم و جدید بررسی گردد.

۱. حدیث مورد نظر در منابع شیعه

کهن‌ترین منابع حدیثی شیعه که این روایت در آن آمده، فروع کافی است و سپس شیخ طوسی آن را در تهذیب در باب‌های «دخول الحمام و الاغسال» نقل کرده است:

«علی بن ابراهیم عن ابيه عن الحسن بن أبي الحسين الفارسي عن سليمان بن جعفر عن إسماعيل بن أبي زياد عن أبي عبد الله (ع) قال: قال رسول الله «ص»: «الماء الذي تسخنه الشمس لا توضأوا به ولا تغتسلوا به ولا تعجنوا به فإنه يورث البرص». (کلینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۳۲؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۸۰)

بعدها حدیث مزبور از همین طریق به مجموعه‌های حدیثی متأخر شیعه مانند: وسایل الشیعه و چهل حدیث راه یافته است. علاوه بر منابع حدیثی و فقهی، در منابع طبیبی نیز به این روایت استناد شده است.

شیخ طوسی در الاستبصار این حدیث را با سند و الفاظ متفاوت ولی مضمون مشترک از امام موسی کاظم (ع) به صورت زیر نقل می‌کند: «فَأَمَّا مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى الْعُبَيْدِيِّ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَى عَائِشَةَ وَ قَدْ وَضَعَتْ فَمُنَّمَتَهَا فِي الشَّمْسِ فَقَالَ: «يَا حُمَيْرَاءُ مَا هَذَا فَقَالَتْ أَغْسِلُ رَأْسِي وَ جَسَدِي فَقَالَ لَا تَعُودِي فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ». شیخ نوشته است: و منظور از کراهت در این حدیث، حرمت (استفاده از آب گرم) نیست. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱۲)

شیخ طوسی در جای دیگر کتاب الاستبصار از ابی القاسم جعفر بن محمد از پدرش از سعد بن عبدالله از حمزه بن یعلی از محمد بن سنان از امام صادق نقل می‌کند که

می‌فرماید: «وضو گرفتن با آبی که در آفتاب گرم شده، اشکالی ندارد». (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱۲)

در ترجمه «الاربعون» شهید اول، به عنوان چهل حدیث، سند کامل تری آمده است. ایشان روایت را از شیخ صدوق و هشت راوی قبل از شیخ صدوق بیان می‌کند که این روایات با سند زیر آمده است:

أخبرني به السيد الامام عميد الدين أيضا عن جده الامام النسابه فخرالدين أبي الحسن علي بن الأعرج الحسيني عن السيد العلامة النسابه جلال الدين ابى القاسم عبد الحميد بن فخر عن والده عن السيد النسابه جلال الدين عبد الحميد بن التقى عن السيد الامام ضياء الدين الراوندی عن السيد شرف الساده المرتضى بن الداعي الحسيني الرازی عن الشيخ الفقيه العلامة أبي عبدالله جعفر بن محمد بن أحمد بن العباس الدوریستی عن الشيخ الصدوق أبي جعفر محمد بن بابويه القمي عن السيد حمزه بن محمد القزويني: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ (ابي اسحاق ابراهيم ابن هاشم) عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ أَبِي زَيْنَادٍ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «ع» قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «ص»: «الْمَاءُ الَّذِي يُسَخَّنُ فِي الشَّمْسِ لَا تَتَوَضَّأُوا بِهِ وَ لَا تَغْتَسِلُوا بِهِ وَ لَا تَعَجُّنُوا بِهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ». (شهید اول، ۱۴۰۷، ص ۲۴)

از میان محدثان متأخر، شیخ حر عاملی در وسایل الشیعه در چند باب از جمله باب «کراهه الماء» و محمدباقر مجلسی، این حدیث را عیناً از تهذیب نقل کرده اند. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱، ص ۳۰)

۱-۱. بررسی احوال راویان حدیث در منابع شیعه

با بررسی یک یک راویان در منابع رجالی شیعه (به خصوص رجال ثمانیه) بیشتر راویان فروع کافی، تهذیب و استبصار به جز «حَسَنُ بْنُ أَبِي الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ» توثیق شده‌اند. (کلینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۳۲؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۸۰ و ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱۲)

نجاشی از این شخص با عنوان ابن ابی الاسحاق یاد می‌کند (نجاشی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۴۳) که در هیچ یک از منابع رجالی جرح و تعدیل نشده است. شهید ثانی در مورد راوی دیگر یعنی «درست» می‌نویسد: و هو ابن أبي منصور واقفي غير موثق. (شهید ثانی،

۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۴۵) و محقق حلی ذیل روایت می نویسد: سند آن واضح نیست؛ چون ابراهیم بن عبدالحمید و درست واقفی هستند. (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۰)
 شهید اول با آنکه از کتاب تهذیب روایت را نقل می کند ولی در سند بین شیخ و علی بن ابراهیم، حمزه بن محمد قزوینی را آورده است، درحالی که در نسخه های موجود از تهذیب، شیخ بدون واسطه از علی بن ابراهیم این حدیث را نقل کرده است. (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۸۰)

راویان طریق امام صادق «ع» (در کتاب چهل حدیث) همه موثق و ممدوح اند به جز فخرالدین ابی الحسن علی بن الأعرج الحسینی که مجهول است (شهید اول، ۱۴۰۷، ص ۲۴) و در منابع رجالی مدح و ذمی از وی وارد نشده است و در مورد ضیاءالدین الراوندی و شرف الساده المرتضی بن الداعی الحسینی الرازی مطلب روشنی که حاکی از توثیق آنان باشد، نیامده است جز این که ابن شهر آشوب در مورد راوندی می نویسد: السید ضیاءالدین الراوندی الذی یروی جمع کثیر من المشایخ الأجله و أساطین الدین و المله، از ضیاءالدین راوندی جمع زیادی از شیوخ عالی قدر و بزرگان دین روایت کرده اند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۹)

نمودار سه طریق روایت در منابع شیعه

رسول خدا(ص)



۲-۱. واکاوی متن حدیث در منابع شیعه

متن این حدیث در منابع شیعی به دو صورت نقل شده است:

۱- از امام صادق «ع»: پیامبر اکرم «ص» فرمودند:

«الْمَاءُ الَّذِي يُسَخَّنُ فِي الشَّمْسِ لَا تَوَضَّئُوا بِهِ وَلَا تَغْتَسِلُوا بِهِ وَلَا تَعَجِنُوا بِهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ»،

با آبی که توسط خورشید گرم شده، وضو نگیرید و غسل نکنید و با آن خمیر درست نکنید؛ چراکه باعث برص می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۳۲؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱،

ص ۳۸۰)

۲- امام کاظم «ع» نقل می‌کند که:

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ «ص» عَلَى عَائِشَةَ وَ قَدْ وَضَعَتْ فُمُومَهَا فِي الشَّمْسِ فَقَالَ: «يَا حُمَيْرَاءُ مَا هَذَا فَقَالَتْ أَعْسَلُ رَأْسِي وَ جَسَدِي فَقَالَ: لَا تُعَوِّدِي فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ»، پیامبر «ص» بر عایشه وارد شد، دید قمقمه‌ای را در زیر آفتاب قرار داده، فرمود: ای حمیرا (عایشه)، این چیست؟ عایشه گفت: برای شستشوی سر و بدنم است، پیامبر «ص» فرمود: این کار را نکن؛ چراکه باعث برص می‌شود. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱۲)

با اندک تفاوت در متن، مضمون کلی هر دو حدیث یکی است یعنی هر دو استفاده

از آبی که توسط خورشید گرم شده را نهی کرده است.

• در حدیث منقول از امام صادق «ع» نهی به صورت عام بوده و فرد خاصی مورد خطاب قرار نگرفته ولی در حدیث امام کاظم «ع» نهی خاص و خطاب پیامبر اکرم «ص» به عایشه است.

• در حدیث امام صادق «ع» نهی از وضو، غسل و خمیر درست کردن است ولی در حدیث امام کاظم «ع» فقط از شستن سر و بدن نهی شده است.

• در حدیث امام کاظم(ع) جزئیاتی دیگر آمده است: علت صدور حدیث این گونه بیان شده است: عایشه (قمقمه) ظرفی را پر آب کرده و در آفتاب قرار داده بود تا با آن سر و بدنش را شستشو دهد، وقتی پیامبر(ص) آن را دید، از آن کار نهی کرد.

این روایات با روایت دیگری که شیخ طوسی در التهذیب آورده و در آن وضو با چنین آبی را بی اشکال دانسته، در تعارض است: «عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا بأس بأن يتوضأ بالماء الذي يوضع في الشمس»، امام صادق(ع) فرمود: وضو گرفتن با آبی که توسط خورشید گرم شده، اشکال ندارد. شیخ طوسی این حدیث را مرسل می‌داند. (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۶۶)

۲. حدیث مورد نظر در منابع اهل سنت

این حدیث در مهم‌ترین منابع اهل سنت مانند: صحاح سته، مسند ابن حنبل و موطن مالک نیامده است ولی در کتبی مانند: السنن الکبری بیهقی (ج ۱، ص ۶)، سنن دارقطنی (ج ۱، ص ۳۸)، الضعفاء الکبیر عقیلی (ج ۲، ص ۱۷۶)، تنزیه الشریعه ابن عراق کنانی (ج ۲، ص ۶۹)، الفوائد المجموعه شوکانی (ص ۸)، النکت البدیعات (ص ۴۱)، مجمع الزوائد هیشمی (ج ۲، ص ۲۱۴) و لسان المیزان (ابن حجر، ج ۳، ص ۱۲۶) آمده است.

راویان اصلی این حدیث در مرحله اول از سه صحابه یعنی عمر بن الخطاب، عایشه و انس بن مالک است، پس بررسی خود را روی متن و سند روایت در کتب السنن الکبری بیهقی، سنن دارقطنی و الضعفاء الکبیر عقیلی محدود و متمرکز خواهیم ساخت؛ چراکه راویان همه منابع فوق در این سه کتاب جمع شده است:

۱- عمر بن خطاب: «حَدَّثَنَا أَبُو سَهْلٍ بْنُ زَيْدٍ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ الْحَرْبِيُّ حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ رُشَيْدٍ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عِيَّاشٍ حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ حَسَّانَ بْنِ أَزْهَرَ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ قَالَ: «لَا تَغْتَسِلُوا بِالْمَاءِ الْمَشْمَسِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ»، با آبی که با آفتاب گرم شده، شستشو نکنید؛ چون که باعث برص می‌شود. (دارقطنی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۸)

۲- انس بن مالک: أنبأنا ابوالحسن العتيقي حدثنا يوسف بن الدخيل حدثنا العقبلي حدثنا صالح بن شعيب حدثنا اسماعيل بن عبدالله بن زراره حدثنا علي بن هاشم الكوفي

حدثنا سواده عن انس انه سمع رسول الله «ص» يقول: «لَا تَغْتَسِلُوا بِالْمَاءِ الْمُشَمَّسِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ». (عقيلي، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۷۶)

۳- عایشه: حدیث منقول از عایشه به پنج طریق آمده است که سند و متن آن به شرح

زیر است:

طریق اول

أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ يُوسُفَ بْنِ أَحْمَدَ الْأَصْبَهَانِيُّ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ ابْنُ الْأَعْرَابِيِّ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَشْرَانَ الْعَدْلِيُّ بَعْدَ أَبِي بَعْدَ أَبِي إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّفَّارِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدَانُ بْنُ نَصْرِ حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: أَسْحَنْتُ مَاءً فِي الشَّمْسِ، فَقَالَ النَّبِيُّ «ص»: «لَا تَفْعَلِي يَا حُمَيْرَاءُ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ». (بيهقي، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶؛ ابن عراق كناني، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۶۹)

طریق دوم

أَبَانَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ نَصْرِ أَبَانَا عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ عَلِيٍّ بْنِ زَكْرِيَّا أَبَانَا عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَشْرَانَ أَبَانَا إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّفَّارِ حَدَّثَنَا سَعْدَانُ بْنُ نَصْرِ حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: ... (بيهقي، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶؛ ابن عراق كناني، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۶۹)

طریق سوم

أَبَانَا الْمُبَارَكُ بْنُ أَحْمَدِ الْأَنْصَارِيِّ أَبَانَا ثَابِتِ بْنِ بِنْدَارِ أَبَانَا أَبُو حَامِدِ أَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاضِي حَدَّثَنَا الدَّارِقُطِيُّ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَتْحِ الْقَلَانِسِيُّ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدٍ حَدَّثَنَا نَاصِحُ بْنُ الْهَيْثَمِ بْنِ عَدِيِّ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ عَنْ النَّبِيِّ «ص» ... (بيهقي، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷؛ ابن عراق كناني، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۶۹)

طریق چهارم

أَبَانَا ابْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ أَبَانَا أَبُو طَاهِرِ بْنِ يُوسُفَ أَبَانَا مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَمْرِو حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَتْحِ الْقَلَانِسِيُّ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ أَبُو سَعِيدِ الْبِرَّازِ حَدَّثَنَا عَمْرُ بْنُ مُحَمَّدِ الْأَعْمَشِ

۱. متن روایت عین قبل است و تفاوتی ندارد: أَسْحَنْتُ مَاءً فِي الشَّمْسِ، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): لَا تَفْعَلِي يَا حُمَيْرَاءُ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ.

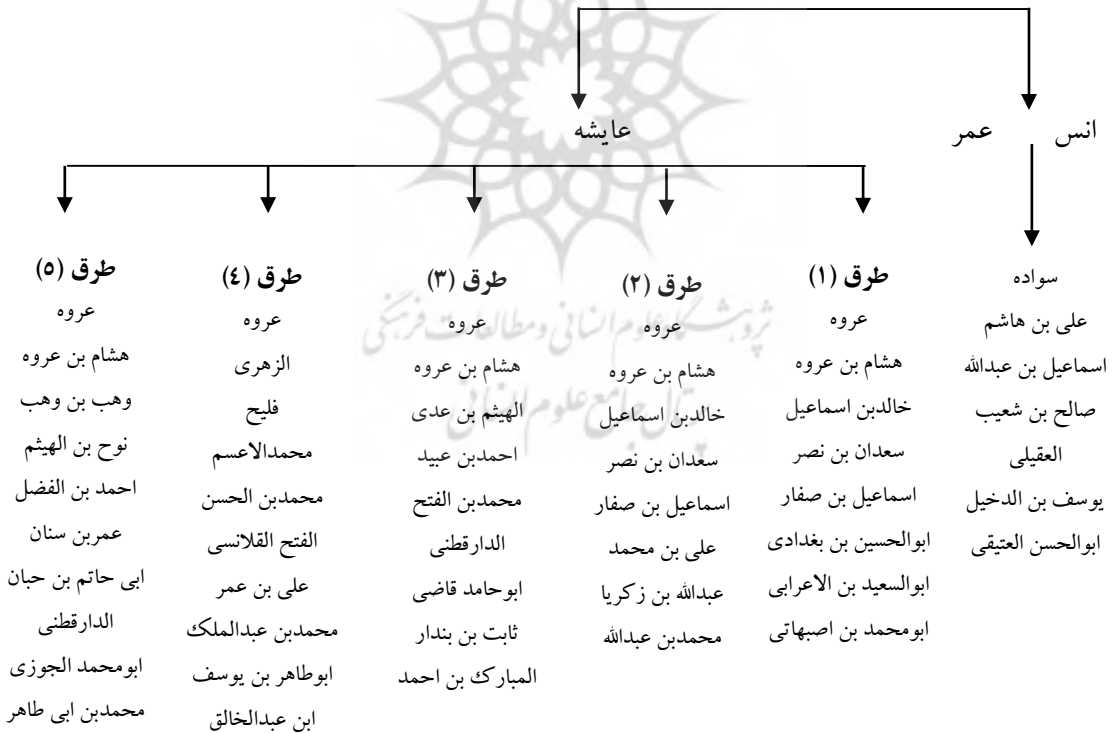
حدثنا فليح عن الزهري عن عروه عن عايشه قالت: «نهي رسول الله «ص» أن يتوضأ بالماء المشمس أو يغتسل به وقال: إنه يورث البرص». (بيهقي، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸؛ ابن عراق کنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۷۰)

طریق پنجم

أبانا محمد بن أبي طاهر أبانا أبو محمد الجوزي عن أبي الحسن الدارقطني عن أبي حاتم بن حبان حدثنا عمر بن سنان حدثنا احمد بن الفضل الصائغ حدثنا نوح بن الهيثم حدثنا وهب بن وهب عن هشام بن عروه عن أبيه عن عايشه قالت: «أسخت لرسول الله «ص» ماء في الشمس فقال: لا تعودى يا حميراء فإنه يورث البرص». (بيهقي، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸؛ ابن عراق کنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۷۰)

نمودار اسناد حدیث از اهل سنت

رسول الله (ص)



۱-۲. بررسی اسانید حدیث موردنظر در منابع اهل سنت

چنان که در نمودار نشان داده شد، این حدیث توسط سه صحابی از پیامبر اکرم «ص» نقل شده است:

طریق اول با عمر بن خطاب آغاز و توسط حسان بن اذهر و عده‌ای دیگر به دست ابوسهل بن زیاد می‌رسد. (دارقطنی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۸)

طریق دوم با انس بن مالک صحابی شروع شده و سپس به دست سواده و دیگران به ابوالحسن العتیقی می‌رسد (عقیلی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۷۶)

طریق سوم با عایشه شروع و سپس توسط عروه نقل و پس از او شاخه شاخه شده و با طرق متعدد و افراد زیاد به دست ابو محمد بن اصبهانی، محمد بن عبدالله، المبارک بن احمد، ابن عبد الخالق و محمد بن ابی طاهر می‌رسد. (بیهقی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶ و ۷؛ ابن عراق الکنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۶۹ و ۷۰) از میان سه طریق فوق، طریق سوم بیشتر موجب رواج این حدیث و طبیعتاً بیشتر مورد گفتگوی حدیث شناسان قرار گرفته است.

۱-۱-۲. بررسی طریق اول (عمر بن خطاب)

نخستین کسی که این حدیث را نقل نموده، عمر بن خطاب، خلیفه دوم، است و از دیدگاه عامه وثاقت او مسلم و مفروغ عنه است ولی در طبقه بعد افرادی که آن را نقل می‌کنند، مشکل دار هستند. از جمله إِسْمَاعِیل بن عِيَّاش که نسائی او را ضعیف قلمداد کرده است. (نسائی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۱۰)

در طبقات بعدی سواده قرار دارد که او نیز مجهول است: شوکانی در الفوائد المجموعه آورده است: و فی إسنادہ سوادة و هو مجهول. (شوکانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲)

۲-۱-۲. بررسی طریق دوم (انس بن مالک)

انس بن مالک انصاری، صحابی و خادم رسول خدا «ص» و از صحابی پر روایت است. او عمری بلند داشت و آخرین صحابی است که در بصره در گذشت. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۱۷ و ۲۶؛ بخاری، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۷ و ۲۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۹۵ و

۳۹۶؛ ابن حجر، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۸ و ۱۰) اهل سنت بر مبنای نظریه «عدالت صحابه» بر این باورند که صحابه همه عادل بوده و از جرح و تعدیل مبرا می‌باشند؛ بنابراین در بررسی‌های حدیث شناختی خود همین که صحابی بودن کسی ثابت شد، وثاقت او را به همراه دارد. (ابن اثیر، ۱۹۹۴، ج ۱، ص ۱۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷؛ سرخسی، ۲۰۱۰، ج ۲، ص ۱۳۴؛ قرطبی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۲۹۹).

عالمان رجالی عامه انس را از صحابی بزرگ می‌دانند و وثاقت او مسلم است. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۱۷ و ۲۶؛ بخاری، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۷ و ۲۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۹۵ و ۳۹۶؛ ابن حجر، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۸ و ۱۰) اما در طبقه بعد از انس در منابع اهل سنت درباره حسان بن ازر هر هیچ مدح و یا جرحی نیامده است. (آلبانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۵۳) شوکانی و ابن جوزی این حدیث را به خاطر ضعیف بودن سواده جعلی می‌دانند. (شوکانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷) پیش از این بیان شد که اسماعیل بن عیّاش را نسائی تضعیف کرده و گفته است: هو ضعیف. (نسائی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۱۰)

۳-۱-۲. بررسی طریق سوم (عایشه)

عایشه، ام المومنین همسر پیامبر «ص» و از صحابه بزرگ زن از جمله افراد کثیر الحدیث است. (عسکری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱-۳۹ و ج ۴، ص ۹۴۸-۹۴۵ و ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۱) او از ارج و منزلت والایی نزد اهل سنت برخوردار است اما از نظر رجالیان عامه در سلسله راویان این حدیث افرادی ضعیف وجود دارند که ذیلاً به آن اشاره خواهد شد.

طبقه اول و دوم

در این دو طبقه خالد بن اسماعیل قرار دارد که با دو واسطه (عروه و هشام) به راوی اصلی (عایشه) می‌رسد (بیهقی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶ و ۷؛ ابن عراق کنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۶۹ و ۷۰) و عالمان رجال او را موثق نمی‌دانند. (ابن عراق کنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۷۸) محمد بن حبان آورده است: «خَالِدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ يَرُوى عَنِ الْعَجَائِبِ لَأَيُّ جُوزِ الْاِحْتِجَاجِ بِهِ»، خالد ابن اسماعیل چیزهای عجیب نقل می‌کند که جایز نیست به او احتجاج کرد. (دارمی بُستی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۱۳)

همچنین ابو احمد بن عدی جرجانی می گوید: «خالد بن اسماعیل ابو الولید المخزومی، یضع الحدیث علی ثقات المسلمین»، خالد از مسلمانان موثق حدیث جعل می کرد. (جوزجانی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳) و در کتاب الضعفاء آمده است: «خالد بن اسماعیل أبو الولید المخزومی یروی عن عیبدالله بن عمر بالمناکیر»، خالد ابن اسماعیل ابو ولید مخزومی از عیبدالله بن عمر احادیث منکر نقل می کند (اصبهانی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷) و ابن جوزی نیز این حدیث را به سبب وجود خالد بن اسماعیل در سند «ناصحیح» خوانده است و گفته: از ثقات مسلمین حدیث جعل می کند. (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸) نسائی او را «ضعیف» قلمداد کرده است. (نسائی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۱۰)

طبقه سوم

در میان راویان این طبقه هیشم بن عدی قرار دارد که عالمان رجال او را دروغ گو و متروک الحدیث می دانند. (ابن عراق کنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۷۹) و ابن جوزی از زبان یحیی، او را دروغ گو و از قول رازی، متروک الحدیث و از قول سعدی، ساقط الحدیث می داند. (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸) عبدالکریم بن احمد بن شعیب نسائی درباره او آورده است: «هو متروک الحدیث». (نسائی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۱۱) خطیب بغدادی نیز از هیشم بن عدی با عبارت «هیشم بن عدی متروک الحدیث» یاد می کند. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۲۱)

طبقه چهارم

در این طبقه نیز راویان زیادی سلسله سند را همراهی می کنند. در میان آنان فردی به نام «عمرو بن محمد الاعسم» است که از نظر رجالیان فردی غیر موثق است. (ابن عراق کنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۷۹) عبدالملک قرشی در مورد او می گوید: «هو منکر الحدیث» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۱۲؛ ذهبی، ۲۰۰۹، ج ۳، ص ۲۸۶) و ابن حبان می گوید: «جعل کننده ای است که از افراد ثقه احادیث منکر نقل می کند و جایز نیست به او احتجاج کرد». (نسائی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۳۱) ابن جوزی نیز با همین شکل از او یاد می کند. (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷) ابونعیم أحمد بن مهران اصبهانی در کتاب الضعفاء خود از او با

لفظ «سَاقِطُ الْحَدِيثِ» یاد می‌کند (اصبهانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۲۰) و شمس‌الدین ذهبی او را «واضع حدیث» می‌داند. (ذهبی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۸۵ و ۲۰۰۹، ج ۳، ص ۲۸۶)

طبقه پنجم

با کنکاش و جستجو در کتب معتبر همه راویان این طبقه موثق هستند به جز «وهب بن وهب ابوالبختری قاضی مدنی» (ابن عراق کنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۸۰) که با سه واسطه از پیامبر «ص» این حدیث را آورده است.

ابوجعفر محمد بن عمرو بن موسی بن حماد عقیلی در کتاب الضعفاء درباره او می‌گوید: «از ابی البختری حدیث صحیح نشنیدم و هرچه نقل می‌کند، باطل است». (عقیلی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۱۲۸) و در جای دیگر آورده: «خدا ابی البختری را نیامزد، او دروغ‌گویی بود که حدیث جعل می‌کرد». (عقیلی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۱۳۵)

ابن جوزی او را رئیس دروغ‌گویان می‌داند. (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸) و ابن سعد گفته است: «او حدیث منکر نقل می‌کند». (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۴) جوزجانی می‌گوید: «وهب بن وهب ابوالبختری هوکذاب». (جوزجانی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۲۱؛ بخاری، ۱۳۹۸، ص ۵۴۲) قشیری نیشابوری او را متروک الحدیث خوانده است (قشیری نیشابوری، ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۴۲۳) و نسایی نیز با همین لقب از او یاد می‌کند. (نسائی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۴) جرجانی در مورد او گفته: وهب بن وهب، جعل حدیث است (جرجانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۱۳).

۲-۲. قضاوت حدیث شناسان اهل سنت درباره راویان و سند حدیث

چنان که گذشت از دیدگاه اهل سنت، راویان اصلی این حدیث از صحابی بزرگ بوده که هیچ خللی در حدیث آنان نیست و همه آنان عادل‌اند ولی در میان راویان بعدی، افرادی وجود دارند که از نظر آنان رد شده و نمی‌شود به آنان اعتماد کرد.

نووی درباره حدیث می‌گوید: «هُوَ حَدِيثٌ ضَعِيفٌ بِاتِّفَاقِ الْمُحَدِّثِينَ»، به عقیده همه محدثان این حدیث ضعیف است. (بهوتی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۵)

و این جوزی که این روایت را در فهرست روایات ضعیف در کتاب الموضوعات آورده، درباره آن می گوید: «هذا حدیث لا یصح عن رسول الله» (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸) و عقیلی می گوید: «لا یصح فی الماء المشمس حدیث مسند». (عقیلی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۱۸۱)

۲-۳. بررسی متن حدیث در منابع عامه

حدیث موردنظر در منابع عامه به اشکال زیر ضبط شده است:

الف) لَا تَغْتَسِلُوا بِالْمَاءِ الْمُشَمَّسِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ. (دارقطنی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۸)

ب) أسخت ماء فی الشمس فقال النبی «ص»: لا تفعلی یا حمیراء فانه یورث البرص. (بیهقی،

۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷؛ ابن عراق کنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۶۹).

ج- نھی رسول الله «ص» أن یتوضأ بالماء المشمس أو یغتسل به و قال إنه یورث البرص. (بیهقی،

۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸؛ ابن عراق کنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۷۰)

د- أسخت لرسول الله ماء فی الشمس فقال رسول الله «ص»: لا تعودی یا حمیراء فإنه یورث

البرص. (بیهقی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸؛ ابن عراق کنانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۷۰)

با دقت در احادیث فوق مشخص می شود که افعالی که حاکی از نهی است، با الفاظ

متفاوتی بیان شده است (لَا تَغْتَسِلُوا، لَا تَفْعَلِ، نَهَى أَنْ. لا تعودی) و خطاب حدیث گاه خاص یعنی عایشه است و گاهی عام بوده و فرد خاصی نیست.

بنابراین معلوم می شود که تنها انتهای حدیث (فانه یورث البرص) و مضمون آن در همه

منابع به طور یکسان نقل شده است و احتمال ورود نقل به معنی در جریان نقل آن قوی است

و نیز احتمال می رود که بعضی از الفاظ، افزوده های راویان باشد که به قصد تبیین بر حدیث

اضافه شده است.

۳. دیدگاه فقها درباره این حدیث

افزون بر منابع حدیثی، این روایت به منابع فقهی نیز راه یافته است:

۳-۱. فقه‌های امامیه

در کتب فقهی امامیه افراد زیادی به این حدیث پرداخته‌اند. (صدوق، ۱۳۸۵، ص ۲۸۱؛ محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۴۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۵) و هر یک توجیحات مختلفی را برای آن ذکر کرده‌اند:

۳-۱-۱. دلالت نهی بر کراهت و جواز استفاده از آب گرم شده در اضطرار

۳-۱-۱-۱-۱. شیخ طوسی در *الاستبصار* از امام موسی کاظم(ع) به صورت زیر نقل می‌کند: «فَأَمَّا مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْعُبَيْدِيِّ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ «ع» قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ «ص» عَلَى عَائِشَةَ وَ قَدْ وَضَعَتْ قُمْمَتَهَا فِي الشَّمْسِ فَقَالَ: «يَا حُمَيْرَاءُ مَا هَذَا فَقَالَتْ أُغْسِلُ رَأْسِي وَ جَسَدِي فَقَالَ لَا تَعُودِي فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ». شیخ نوشته است: و منظور از کراهت در این حدیث، حرمت (استفاده از آب گرم) نیست. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱۲)

۳-۱-۱-۱-۲. شیخ طوسی در جای دیگر کتاب *الاستبصار* از ابی القاسم جعفر بن محمد از پدرش از سعد بن عبدالله از حمزه بن یعلی از محمد بن سنان از امام صادق نقل می‌کند که می‌فرماید: «وضو گرفتن با آبی که در آفتاب گرم شده، اشکالی ندارد». (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱۲)

۳-۱-۱-۲. شیخ حر عاملی در کتاب *وسایل الشیعه* در باب «الماء المطلق» در شرح این حدیث می‌نویسد:

منع پیامبر(ص) به منظور کراهت است و در مواقع اضطرار، استفاده از آن اشکالی ندارد و در تأیید نظر خود حدیثی از امام صادق(ع) می‌آورد: «در صورت اضطرار و مریضی اشکالی ندارد که از آبی که با آفتاب گرم شده برای شستشو استفاده کرد». (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۵۱)

۳-۱-۲. استفاده از آب آفتاب خورده در مناطق معتدل

وحید بهبهانی با توضیحی که درباره این روایت آورده، آن را با قید ظرفی که آب در آن نگه داشته می‌شود، توجیه می‌کند. وی می‌نویسد: «اولاً، استفاده از آب آفتاب خورده در

ظروفی غیر از سفالی و طلا و نقره اشکال ندارد. ثانیاً، نهی استفاده از این نوع آب در مناطق گرمسیری است، نه معتدل؛ چون در این مناطق حرارت خورشید بر ظروف سفالی اثر گذاشته و نوعی انگل (قارچ) در آن رشد و تکثیر می‌شود، به‌خصوص آب‌هایی که در برکه‌ها می‌ماند عامل این نوع قارچ‌ها هستند». (علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۶)

۳-۱-۳. نهی مخصوص تازیان

در کتاب *یواقیت العلوم* در شرح این حدیث آمده است: این نهی مخصوص آبی است که تازیان در آفتاب سوزان حجاز در ظرف‌های مسی و رویی گرم می‌کردند و بر اثر «قوت حرارت آفتاب ... ذره‌های خرد ... از جرم آن آوانی مُنحلّ ... و به آب آمیخته می‌شد و چون کسی آن آب را بر اندام ریزد، آن ذره‌ها در مَسام (سوراخ‌های پوست) نشیند و مسام ببندد و چون مسام بسته شود، سطح پوست سخت گردد و بخار اندر تن مُحْتَقِن شود و رطوبت غلیظ گردد و از آنجا برص پدید آید». (نامعلوم، ۱۳۴۵، ص ۲۱۳)

۳-۱-۴. تضعیف روایت و عدم کراهت استفاده از آب گرم شده با آفتاب

نویسنده کتاب *القواعد* بعد از شرح این حدیث عقیده حنابله را متذکر می‌شود که آنان سند «حدیث اسخان» را ضعیف می‌دانند و در این باره اعتقاد دارند باید عمل صحابه ملائک قرار گیرد. صحابه از این نوع آب استفاده می‌کردند و در تأیید سخن خود به حدیث محمد بن سنان از امام صادق «ع» (عدم کراهت استفاده از آب گرم شده توسط آفتاب) اشاره می‌کند. (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۰)

۳-۲. فقهای عامه

در کتب فقهی اهل سنت در باره این حدیث شروح و توجیهاتی آمده است:

۳-۲-۱. دلالت نهی بر کراهت

عثمان بن علی بن محجن بارعی و شهاب‌الدین یونس شَلَبِیُّ و بدرالدین عینی در ذیل حدیث عایشه می‌آورند: «نهی پیامبر (ص) دلالت بر کراهت دارد». (البارعی، ۱۳۱۳، ج ۲، ص ۵۵۲؛ شَلَبِیُّ، ۱۳۱۳، ج ۳، ص ۵۵؛ عینی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۹۹)

ابن عابدین دمشقی در ذیل حدیث عمر متذکر می‌شود که فقها در مورد نهی پیامبر(ص) دو عقیده دارند: عده‌ای نهی پیامبر(ص) را دلیل بر کراهت می‌دانند؛ مانند: احمد بن حنبل و مالک بن انس. برخی نیز مانند امام شافعی علت کراهت را به دلیل طبی می‌دانند: «ولا أكره الماء المشمس إلا من جهة الطب». (دمشقی حنفی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۸۰؛ شافعی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶)

۲-۲-۳. نهی مقید به مکان

«منظور از کراهت آب آفتاب‌خورده در مناطق گرم مانند عربستان است، نه کشورهای معتدلی مثل مصر و روم». (وزاره الأوقاف والشئون الإسلامية، ۱۴۲۷، ج ۳۹، ص ۳۶۳)

۳-۲-۳. رد روایت به دلیل علمی

برخی این حدیث را از نظر علم طب بررسی کرده و می‌گویند: «به اجماع همه پزشکان آب آفتاب‌خورده هیچ تأثیری در برص ندارد». (بهوتی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۶)

۴. بررسی دلالت حدیث

با این که به لحاظ سندی هیچ‌یک از اسانید حدیث خالی از ضعف نیست و از سوی دیگر وقوع پدیده جعل در تاریخ انتقال حدیث غیر قابل انکار است اما احتیاط و دقت علمی ایجاب می‌کند که ابتدا اصل را بر صدور حدیث از سرچشمه علم نبوی دانسته و از این رو بررسی دلالت یا تحلیل محتوای حدیث از جمله راهکارهای مطلوب در برخورد با این گونه احادیث است و اگر هیچ راهی برای توجیه آن نیافتیم آن را کنار بگذاریم اما همواره باید توجه داشت که اظهار نظر نهایی در باره یک روایت کاری بس دشوار و نیازمند طی مسیرهای پژوهشی و چندجانبه است.

۵. برص چیست؟

یکی از واژه‌های کلیدی در این روایت واژه برص است.

۵-۱. برص در منابع طب قدیم و محققان پیشین

بوعلی سینا در کتاب قانون می‌آورد: پیسی یا برص عبارت از لکه‌هایی هستند که بر پوست بدن دیده می‌شوند، در پوست و گوشت نفوذ می‌کند و تا سر استخوان می‌رسد. در جای دیگر می‌گوید: «بیماری سبل و برص نیز از جمله بیماری‌های واگیر هستند». (بوعلی سینا، ۱۳۷۰، کتاب اول، ص ۱۵۸ و ۱۶۰)

سعید بن هبه الله بغدادی، سرپرست پزشکان بیمارستان عضدی بغداد در بخش برص و بهق، می‌گوید: «بهق در سطح جسم پیدا می‌شود و برص در عمق جسم». (بغدادی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۹)

در کتاب *بستان الاطباء و روضه الالباب*، تصنیف ابونصر اسعد بن الیاس بن مطران آمده است: «ابن رأس الطنبور در کتاب برص خود گفته است: برص از ظاهر پوست به گوشت زیر آن تجاوز می‌کند و حتی تا استخوان هم می‌رسد». (ابن مطران، ۱۳۱۱، ج ۱، ص ۴۵)

در جای دیگر آمده است: برص، بیماری صعب‌العلاجی است، به‌ویژه آن گاه که طولانی مدت و روبه گسترش باشد. اگر بیماری طول بکشد در گوشت و استخوان تأثیر می‌گذارد تا آن که مو و خون عضو مبتلا سفید می‌شود. (ارزانی، ۱۲۷۷، ج ۲، ص ۱۴۸، به نقل از مصطفوی، ذیل واژه «برص»)

۲-۵. «برص» در منابع پزشکی معاصر

اما تلقی طبیبان پیشین با پزشکان امروزی بسیار متفاوت است. فرهنگ‌نامه‌های پزشکی معاصر، واژه (vitiligo) را معادل لاتین «برص» دانسته و آن را چنین توضیح داده‌اند:

برص، لک و پیس، حالتی ناشی از نقص در تشکیل ملانین پوست است که در بعضی نواحی پوست به صورت لکه‌ای سفید شیری رنگ با حاشیه پررنگ ایجاد می‌شود. (دورلند، بی تا، ص ۲۱۵)

۱. نام دیگر برص

پزشکان نیز در تشریح این بیماری می گویند: برص و پیسی عبارت است از یک بیماری پوستی اکتسابی که در اثر از بین رفتن رنگدانه پوستی ایجاد می شود. فقط سلول های سازنده رنگ را در لایه سطحی پوست از بین می برد و به هیچ وجه به عمق پوست و گوشت و استخوان صدمه ای نمی زند. این بیماری تنها پوستی بوده و بی خطر است و عامل عفونی در ایجاد آن دخالتی ندارد. (محمدی، ۱۳۷۵، ص ۳۷۵)

۳-۵. عامل «برص»

۱-۳-۵. عامل «برص» در طب قدیم

پزشکان و محققان قدیم، حدوث برص را عموماً ناشی از غلبه بُلغم (خِلط بلغمی) بر خون و ضعف «قوّه مُعیرَه» (نیروی دگرگون کننده) یعنی قوه ای که به گمان قدما، غذای موجود و جاری در خون را تماماً موافق مزاج اجزای اندام ها می گرداند [در فلان اندام] یعنی اندامی که پوست آن دچار پیسی شده است، در صورتی که آن ضعف از بدی و فساد مزاج سرد باشد، دانسته اند. (طبری، ۱۹۸۷، ص ۳۲۱؛ ابن سینا، ۱۳۷۰، ص ۲۸۲؛ ابن مطران، ۱۳۱۱، ج ۱، ص ۱۴۴)

۲-۳-۵. عامل «برص» در طب جدید

این کلمه در فارسی به «پیسی» یا «سفید شدن موضعی پوست در نقاط مختلف بدن»، تعبیر شده است ولی در پزشکی عارضه تغییر رنگ بر اثر اختلال در رنگدانه های پوست (چه افزایش و چه کاهش و از بین رفتن سلول های حاوی رنگدانه) به دو گونه ایجاد می شود:

۱. به صورت ثانویه که شایع تر است و بیش تر در اثر بیماری های مزمن کبدی، اختلالات غددی به ویژه غده فوق کلیوی، بیماری های خود ایمنی مانند بیماری لوپوس (sle)، کمبودهای ویتامینی، مصرف داروهای خاص، مانند داروهای ضد سرطان و تماس با ماده شیمیایی ایجاد می شود. مواردی از این دست در جریان جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران اسلامی در اثر بمب های شیمیایی نیز دیده شده است که در این موارد با

درمان نهایی و یا بهتر شدن بیماری زمینه‌ای و یا قطع تماس با ماده شیمیایی، این اختلال نیز بهتر شده و یا کاملاً خوب می‌شود.

۲. تغییر رنگ به شکل اولیه بوده که در این صورت یا به واسطه بیماری مادرزادی و ارثی ایجاد می‌گردد؛ بدین گونه نوزاد از آغاز تولد مبتلا به کمبود فعالیت سلول‌های رنگ‌دانه‌ای است و علاوه بر سفید شدن پوست، عموماً با تغییر رنگ و سفید شدن موها و نیز تغییر رنگ مردمک چشم و ضایعات دیگر چشمی همراه است و آن را در اصطلاح پزشکی «albinism» می‌نامند و یا در طول زندگی بروز نموده که ممکن است توأم با بیماری‌های دیگر بوده و یا علامت بروز یکی از آنها باشد که درصد نسبتاً کمی را شامل می‌شود و یا به تنهایی بروز نموده و ممکن است هیچ‌گونه علت واضحی نداشته باشد که بیش‌تر موارد چنین است و آن را در اصطلاح پزشکی «vitiligo» می‌نامند و ظاهراً کلمه «پسی» در فارسی به این نوع اختلال پوستی گفته می‌شود.

در نوع البینیسیم (albinism) اختلال، درمان نهایی ندارد ولی در نوعی که با از بین رفتن بدون علت رنگ‌دانه و سفید شدن موضعی پوست ایجاد می‌شود (vitiligo)، در بررسی‌های آماری مشخص شده که تا حدود یک‌سوم موارد ممکن است خود به خود و به تدریج خوب شود و رنگ‌دانه‌های پوست به حالت طبیعی باز گردد. (فرودی، ۱۳۷۶)

۴-۵. «برص» در قرآن و کاربرد آن در فقه

ماده برص دوبار در قرآن به صورت صفت به کار رفته است و شفای آن و شفای کور مادرزاد و زنده ساختن مردگان از جمله معجزات حضرت عیسی «ع» بر شمرده شده است: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى الْوَالِدَاتِ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَيْدِيهِ فَتَفْخُحُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأَيْدِيهِ وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالأَبْرَصَ بِأَيْدِيهِ وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِأَيْدِيهِ...»؛ [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور... و آنگاه که به اذن من از گل [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی، پس در آن

می‌دمیدی و به اذن من پرنده‌ای می‌شد و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می‌دادی.
(آل عمران: ۴۹ و مائده: ۱۱۰)

مطالعه شیوه کاربرد ماده «برص» در قرآن و روایات و احکامی که در فقه بر این عنوان مترتب شده، با تعریف پزشکان معاصر چندان هماهنگی به نظر نمی‌رسد. شفای عارضه بی‌خطر و غیرواگیری که پیامدی جز تغییر رنگ پوست ندارد و قرارگرفتنش در ردیف معجزاتی چون زنده ساختن مردگان، حاکی از آن است که برص در گذشته در معنای دیگری به کار می‌رفته است.

در برخی احادیث از بیماری جذام و جنون در کنار این بیماری نام برده شده که احکام فقهی خاصی بر آن‌ها مترتب شده؛ از جمله جذام، جنون، ناتوانی جنسی و غیره که مجوز انحلال نکاح است و در کنار آن ابتلای زن به برص، مجوز برهم زدن ازدواج از سوی شوهر دانسته شده است. (نجفی، ۱۳۰۰، ص ۳۳۱) یا «فرد مبتلا به برص نباید عهده‌دار حضانت کودک گردد». (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۲۵)

احکام فقهی فوق درباره مبتلا به برص در حد و اندازه تعریف امروزی برص نیست؛ زیرا با توجه به اهتمام و ارزشی که اسلام برای تشکیل و بقای خانواده قائل است و از طلاق نهی فرموده، این نوع نگرش به خانواده با تجویز منحل ساختن آن، به علت وجود بیماری‌ای که اثری غیر از تغییر رنگ پوست ندارد، هماهنگی و متناسب نیست. شریعتی که کوری یک چشم را مایه برهم خوردن ازدواج ندانسته، چگونه تغییر رنگ پوست را عامل فسخ نکاح معرفی کرده است؟ درباره علل فسخ ازدواج با اندک تأملی می‌توان فهمید که چرا فردی که به جنون و جذام مبتلاست، نباید عهده‌دار سرپرستی کودک گردد، اگرچه جزئیات احکام را باید از شریعت گرفت اما درباره برص با تعریف فوق، این حکم محل تأمل و نیازمند بررسی بیشتر است؛ علاوه بر این که با تعریف جدید برص، این بیماری تناسبی با بیماری‌های دیگری که در مسائل فوق هم‌ردیف آن‌ها قرار گرفته، ندارد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد به‌طور خلاصه نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. اسانید و طرق حدیث «الْمَاءُ الَّذِي يُسَخَّنُ فِي الشَّمْسِ لَا تَوَضُّوْا بِهِ وَلَا تَغْتَسِلُوا بِهِ وَلَا تَعَجِّنُوا بِهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ»، چه طرق عامه و چه طرق خاصه، از ضعف سند رنج می برد. محتوای حدیث نیز با حدیث امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «لا بأس بأن يتوضأ بالماء الذي يوضع في الشمس» (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۶۶) معارض است، اگرچه این حدیث نیز به لحاظ سندی ضعیف است؛ زیرا شیخ طوسی این حدیث را مرسل می داند. (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۶۶).

۲. از آنجا که ضعف سند همیشه و لزوماً به معنای ضعف متن نیست، بایسته است دلالت حدیث بررسی شده و به معنای صحیح آن دست یافت و در صورت نیاز به آن استناد کرد.

۳. در میان امامیه عده‌ای بر این عقیده‌اند که: فقط در صورت اضطرار، می توان از آب گرم شده، استفاده کرد. برخی بر این باورند که از آب آفتاب خورده در مناطق معتدل می توان بهره برد. بعضی معتقدند که اگر نهی بر عدم استفاده باشد، نهی مخصوص تازیان عربستان و به خصوص حجاز بوده است. برخی به جنس ظرفی که عایشه آب را در آن نگه می داشت اشاره کرده‌اند و احتمال تأثیر حرارت بر روی ظرف را مطرح کرده‌اند و برخی به عدم کراهت استفاده از آب گرم شده توسط آفتاب با استناد به روایت امام صادق (ع) حکم کرده‌اند.

۴. در میان عامه برخی بر این نظرند که نهی در حدیث بر کراهت دلالت دارد، نه حرمت. عده ای معتقدند: نهی بهره‌گیری از آب گرم شده توسط آفتاب، مقید به مکان است و گروهی روایت (اسخان) را به دلیل علمی و پزشکی رد می کنند.

۵. با مراجعه به لغت‌نامه‌ها و منابع پزشکی روشن شد که معنی واژه «برص» در گذشته که یک بیماری مسری خطرناک و هم‌ردیف جذام بوده، با کاربرد امروز آن که یک بیماری غیرمسری است و گاهی بنا بر علل روحی ناشی از استرس و اضطراب و یا به دلیل ارثی، پوست رنگ‌دانه‌های خود را از دست می‌دهد، فرق دارد.

۶. تحقیقات پزشکی تا امروز استعمال آب آفتاب خورده را عاملی برای بروز برص به معنی یک بیماری خطرناک تأیید نکرده است و به فرض صدور روایت از معصوم

می توان آن را در خصوص جنس ظرف یا موقعیت مکانی که آب در آن گرم می شده، محدود کرد.

۷. مقصود از برص، که در قرآن و روایات به کاررفته و در فقه اسلامی موضوع احکام خاصی قرار گرفته، چیزی نیست که امروزه فارسی زبانان و پزشکان جدید به آن برص می گویند و نمی توان با اعتماد به این اصطلاح نوظهور، ماده «برص» در قرآن و روایات را معنا کرد بلکه برای فهم معنای واژه های قرآن و روایات باید به عرف رایج در زمان نزول قرآن و صدور روایت بازگردیم که آن چیزی غیر از این معنای جدید است.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن اثیر، علی بن ابی کرم (۱۹۹۴م)، **أسد الغابة فی معرفة الصحابة**، بی جا: دار الکتب العلمیة.
- ابن جوزی، عبدرحمان (۱۴۱۵ق)، **الموضوعات**، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۴۱۵ق)، **الإصابة فی تمييز الصحابة**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- _____، (۱۳۲۹ ق)، **لسان المیزان**، حیدر آباد.
- _____، (۱۴۱۷ ق)، **تهذیب التهذیب**، تحقیق: خلیل مامون شیخا، بیروت: دارالمعرفة.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ ق)، **الطبقات الكبرى**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۸۰ ق)، **معالم العلماء**، نجف: انتشارات حیدریه.
- ابن عراق کنانی، نور الدین (۱۳۹۹)، **تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة**
- **الموضوعة**، تحقیق: عبد الوهاب عبد اللطیف و عبد الله محمد صدیق غماری، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن مطران، اسعد بن الیاس (۱۳۱۱ ق)، **بستان الاطباء و روض الالباء**، بیروت: دار المعرفة.
- ابن بابویه، محمد (۱۳۸۵ ق)، **علل الشرايع**، نجف: مکتبه المرتضویه.
- _____، (۱۳۹۰ق)، **عیون أخبار الرضا**، نجف: انتشارات حیدریه.

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۰ش)، **قانون در طب**، ترجمه: عبدالرحمن شرفکندی، تهران: سروش.
- ارزانی، حکیم محمد اکبر (۱۳۸۷ش)، **طب الاکبر (طب اکبری)**، ایران: موسسه احیاء طب طبعی.
- اصفهانی شافعی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۵)، **الضعفاء**، مغرب: دارالثقافه.
- ألبانی، محمد ناصر الدین (۱۴۰۵)، **إرواء الغلیل فی تخريج أحادیث منار السبیل**، بیروت: المکتب الإسلامی.
- بارعی، عثمان بن علی بن محجن (۱۳۱۳ ق)، **تبیین الحقایق شرح کنز الدقایق**، القاهرة: المطبعة الکبری الأمیریة.
- بجنوردی، حسن (۱۳۷۷)، **القواعد الفقهیة**، قم: نشر الهادی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۹۸ ق)، **التاریخ الکبیر**، بیروت: دارالفکر.
- بستانی، بطرس (بی تا)، **دایرة المعارف**، بیروت: دار المعرفة.
- بغدادی، سعید (۱۳۷۴ش)، **الحدود و الفروق**، بیروت: مجمع البحوث الاسلامیة للدراسات و النشر.
- بهبهانی، محمدباقر وحید (۱۴۲۴ ق)، **مصایح الغلام فی شرح مفاتیح الشرایع**، بی جا: موسسه وحید بهبهانی.
- بهوتی حنبلی، منصور بن یونس (۱۴۱۰ ق)، **کشاف القناع عن متن الإقناع**، القاهرة: دار الکتب العلمیة.
- بیهقی، احمد (۱۴۰۴ ق)، **سنن الکبری**، به کوشش: محمد ضیاء الرحمان اعظمی، کویت: دارالخلافة.
- جرجانی، بن عدی (۱۴۱۸ ق)، **الکامل فی ضعف الرجال**، تحقیق: عادل أحمد عبد موجود، بیروت: الکتب العلمیة.
- جوزجانی، ابراهیم بن یعقوب (۱۴۱۴ ق)، **احوال الرجال**، پاکستان: اکادمی حدیث.
- جوینی، ابواسحاق (۱۴۱۶ ق)، **الیالی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه**، بیروت: دارالمعرفة.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ق)، **وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه**، تحقیق: علامه شعرانی، بیروت: داراحیا التراث العربی.

- _____، (۱۴۱۲ ق)، **هدایة الأمة إلى أحكام الأمة (ع)**، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- _____، (۱۴۱۷ ق)، **تاریخ بغداد**، تحقیق: مصطفی عبدقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- _____، (۱۹۸۳ م)، **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة**، بیروت: بی نا.
- _____، (۱۴۲۴)، **سنن دارقطنی**، بیروت: الرسالة.
- _____، (۱۳۹۶ ق)، **المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین**، تحقیق: محمود ابراهیم زاید، حلب: دار الوعی.
- _____، (۱۴۱۲ ق)، **رد المحتار علی الدر المختار**، بیروت: دار الفکر.
- _____، (بی تا)، **فرهنگ پزشکی دورلند**، ترجمه: محسن ارجمند، بی جا: انتشارات رهنما.
- _____، (۱۴۲۱ ق)، **المغنی فی الضعفاء**، تحقیق: نورالدین عتر، مصر: دارالمعارف.
- _____، (۱۴۱۳ ق)، **سیر اعلام النبلاء**، بیروت: مؤسسه الرساله.
- _____، (۲۰۰۹)، **میزان الإعتدال فی نقد الرجال**، بیروت: دار المعرفة.
- _____، (۲۰۱۰)، **أصول سرخسی**، الأمة بیروت: دار المعرفة.
- _____، (۱۳۷۸ ش)، **نهج البلاغه**، ترجمه: جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____، (۱۴۱۰ ق)، **الأمر**، بیروت: دار المعرفة.
- _____، (۱۳۱۳ ق)، **الحاشیه**، القاهرة: المطبعة الكبرى الأميریه.
- _____، (۱۳۹۲)، **الفوائد المجموعه**، بیروت: بی نا.
- _____، (۱۴۰۷ ش)، **چهل حدیث**، قم: مدرسه الامام المهدي «عج».
- _____، (۱۴۱۳ ق)، **مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام**، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- _____، (۱۴۱۹ ق)، **استقصاء الإعتبار فی شرح الإستبصار**، قم: مؤسسه آل البيت «ع» لإحياء التراث.

- طبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۹۸۷)، **تاریخ الأمم و الملوك (تاریخ الطبری)**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- طوسی، محمد (۱۳۶۴ ش)، **تهذیب الاحکام**، به کوشش: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____، (۱۳۶۵ ش)، **استبصار فیما اختلف من الاخبار**، تصحیح: محمد آخوندی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- عسکری، مرتضی (۱۴۱۸)، **احادیث ام المومنین عایشه**، تهران: دانشکده اصول‌الدین تهران.
- _____، (۱۳۸۷)، **نقش عایشه در تاریخ اسلام**، قم: موسسه علمی - فرهنگی علامه عسکری.
- عقیلی، محمد بن حماد (۱۴۲۹ ق)، **الضعفاء**، تحقیق: محمود ابراهیم زاید، بیروت: دارالحزم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ ق)، **نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام**، قم: موسسه اسماعیلیان.
- عینی، بدر الدین (۱۴۲۰ ق)، **البنایة شرح الهدایة**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فرهودی، محمد (۱۳۷۶)، «مفهوم برص در قرآن و ارتباط با مسایل پزشکی»، **مجله پژوهش های قرآنی**، ش ۱۱ و ۱۲.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۸۷)، **الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۹۸۴)، **الکنی والأسماء للإمام مسلم**، مدینه منوره: عمادة البحث العلمی بالجامعة الإسلامیة.
- کلینی، محمد (۱۳۶۱ ش)، **کافی**، به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: موسسه النشر الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، **بحار الانوار**، بیروت: موسسه الوفاء.
- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن (۱۳۶۴ ش)، **المعتبر**، تحقیق و تصحیح: ناصر مکارم شیرازی، قم: مؤسسه سید الشهداء «ع».
- موسوعه الفقهیه الكويتیة (۱۴۲۷ ق)، کویت: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامیة.
- نامعلوم (۱۳۴۵)، **یواقیت العلوم و درازی النجوم**، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶)، رجال (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۹۶)، جواهر الکلام، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- _____، (۱۳۰۰)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- نسایی شافعی، احمد بن شعیب (۱۴۰۷)، الضعفاء و المتروکین، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
- هیشمی، نورالدین (۱۴۰۸ ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه.

